

وقتی والدین رها می‌شوند و فرزندان گرفتار!

طلاق تأثیر قابل توجهی بر زندگی هر فرد و همچنین تأثیر قابل تأملی بر وضعیت مالی- اجتماعی خانواده‌ها دارد. طبق تحقیقات، طلاق در خانواده‌هایی که وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین تری دارند...



طلاق تأثیر قابل توجهی بر زندگی هر فرد و همچنین تأثیر قابل تأملی بر وضعیت مالی- اجتماعی خانواده‌ها دارد. طبق تحقیقات، طلاق در خانواده‌هایی که وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین تری دارند و همچنین در خانواده‌هایی که پریشانی روانی بالا و اختلال دارند، شیوع بیشتری دارد.

به گزارش ایسنا، روزنامه «جوان» در ادامه نوشت: طلاق که در کشورهای غربی رایج تر است، تقریباً نیمی از ازدواج‌ها را خاتمه داده و زندگی‌ها را با فروپاشی روبه‌رو می‌سازد. معمولاً هم با جدایی عاطفی یا روانی پیش می‌آید و سپس با جدایی قانونی خاتمه می‌یابد. طلاق هرگز یک رویه آماده نیست، بلکه نتیجه طی مراحل عاطفی تا قانونی است. گاهی در هر رابطه منتج شده به جدایی، یک معترض وجود دارد که خواهان طلاق است، در حالی که طرف دیگر رابطه طلاق نمی‌خواهد. همیشه و در همه حال مشکلات زناشویی به درک نادرست و باورهای غیرمنطقی یکی از زوجین مربوط می‌شود. بسیار مهم است که در نظر داشته باشیم جدایی تقصیر یکی از طرفین نیست بلکه نیاز به طی روند طولانی مدت طلاق دارد. اما در این میان فرزندان از طلاق والدین آسیب زیادی می‌بینند؛ آسیب‌های بیشماری که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را در ادامه می‌خوانیم.

تضعیف عملکرد تحصیلی فرزندان

طلاق برای همه اعضای خانواده سخت است. برای کودکان، تلاش برای درک پویایی در حال تغییر خانواده ممکن است آن‌ها را منحرف و گیج کند. این وقفه در تمرکز روزانه آن‌ها می‌تواند به این معنی باشد که یکی از اثرات طلاق بر فرزندان در عملکرد تحصیلی آن‌ها و تضعیف آن دیده می‌شود. هرچه کودکان حواس‌شان پرت تر باشد، احتمال اینکه نتوانند روی درس‌ها و کارهای مربوط به مدرسه تمرکز کنند، بیشتر است. البته از دست دادن علاقه به فعالیت‌های اجتماعی را نیز نباید از قلم انداخت.

اخلال در تعاملات و ارتباطات اجتماعی

تحقیقات حاکی از آن است که طلاق می‌تواند بر تعاملات اجتماعی فرزندان نیز تأثیر بگذارد. کودکانی که خانواده آن‌ها طلاق را پشت سر می‌گذارند، ممکن است مشکل بیشتری در برقراری ارتباط با دیگران داشته باشند. به طوری که تمایل دارند تماس‌ها و ارتباطات اجتماعی کمتری داشته باشند. گاهی اوقات بچه‌ها احساس ناامنی و فکر می‌کنند که آیا خانواده آن‌ها تنها خانواده‌ای است که طلاق گرفته است؟ به واسطه دشواری انطباق با تغییر در پی طلاق، کودکان می‌توانند تحت تأثیر قرار گیرند و مجبورند یاد بگیرند خود را با تغییرات، بیشتر و بیشتر وفق دهند.

احساس غرق شدن و حساسیت عاطفی

طلاق می‌تواند انواع مختلفی از احساسات منفی را برای خانواده به ارمغان بیاورد. احساس از دست دادن، خشم، سردرگمی، اضطراب و بسیاری موارد دیگر، همه و همه ممکن است از این انتقال ناشی شوند. طلاق می‌تواند باعث شود کودکان احساس غرق شدن و حساسیت عاطفی کنند. کودکان نیاز به خروجی برای احساسات خود دارند، نیاز به کسی که با او صحبت کند، کسی که به او گوش دهد و... کودکان ممکن است از طریق نحوه پردازش احساسات خود اثرات طلاق را احساس کنند. شایان ذکر است که رویدادهای جدید خانواده، خانه یا وضعیت زندگی جدید، مدارس، دوستان و موارد دیگر، همگی ممکن است تأثیر داشته باشند و به تبع آن، کودکان از منظر عاطفی نیز حساس تر می‌شوند.

عصبانیت و تحریک پذیری

عصبانیت و تحریک پذیری نیز از آثار طلاق است. در برخی موارد، جایی که کودکان احساس می‌کنند تحت تأثیر قرار می‌گیرند و نمی‌دانند چگونه به تأثیراتی که در طول طلاق احساس می‌کنند پاسخ دهند، ممکن است عصبانی یا تحریک پذیر شوند. خشم آن‌ها ممکن است به طیف وسیعی از علل درک شده هدایت شود. کودکانی که طلاق را پردازش می‌کنند ممکن است خشم خود را نسبت به والدین، خود، دوستانشان و دیگران نشان دهند. در حالی که برای بسیاری از کودکان این عصبانیت پس از چند هفته از بین می‌رود. اگر ادامه یابد، باید توجه داشت که این ممکن است یک اثر طولانی مدت طلاق روی فرزندان باشد.

یکی از دیگر آسیب‌های متارکه والدین، بروز احساس گناه در وجود کودکان است. بچه‌ها اغلب تعجب می‌کنند که چرا طلاق در خانواده آن‌ها اتفاق می‌افتد. آن‌ها به دنبال دلایلی می‌گردند و به این فکر می‌کنند که آیا والدین شان دیگر آنان را دوست ندارند یا مبادا خودشان کار اشتباهی انجام داده‌اند. این احساس گناه یکی از تأثیرات رایج طلاق روی فرزندان است، اما می‌تواند به بسیاری از مسائل دیگر نیز منجر شود. احساس گناه فشار روانی را افزایش می‌دهد و می‌تواند منجر به افسردگی، استرس و سایر مشکلات مربوط به سلامتی شود. ارائه راهکار و مشاوره برای کودک به منظور درک نقش خود در طلاق می‌تواند به کاهش این احساس گناه کمک کند.

گرایش به بزه و رفتارهای مخرب

وقتی والدین بچه‌ها طلاق می‌گیرند، تعارضات حل نشده ممکن است منجر به خطرات غیرمنتظره آینده شود. تحقیقات نشان داده است کودکانی که در ۲۰ سال گذشته طلاق را تجربه کرده‌اند، بیشتر احتمال دارد در بزهکاری‌ها شرکت کنند و از طریق رفتارهای مخربی که به سلامت کودک آسیب می‌رساند، سرکشی کنند و به سیگار کشیدن گرایش پیدا کنند. افزایش مشکلات سلامتی از دیگر مسائل پیش روی فرزندان طلاق است. روند طلاق و اثرات آن بر فرزندان می‌تواند استرس را باشد. رویارویی با این مسائل می‌تواند عوارض خود را داشته باشد، از جمله مشکلات فیزیکی. کودکانی که طلاق را تجربه کرده‌اند، درک بالاتری نسبت به بیماری دارند که می‌تواند ناشی از عوامل زیادی از جمله مشکل در خوابیدن باشد. همچنین، علائم افسردگی می‌تواند در آن‌ها ظاهر شود و این احساس، از دست دادن بهزیستی را تشدید و علائم سلامتی را بدتر می‌کند.

از دست دادن امید به زندگی و آینده

از دست دادن ایمان به کانون گرم خانواده و امید به ازدواج برای فرزندان طلاق، از دیگر آسیب‌های پایان یک زندگی زناشویی توسط زن و مرد خانه است. پژوهش‌های اندیشمندان و متفکران نشان داده است کودکانی که طلاق والدین را تجربه کرده‌اند، در روابط خود نیز در آینده دچار مشکل می‌شوند و احتمال طلاق در زندگی مشترک آن‌ها نیز بالاست. برخی تحقیقات نشان می‌دهد که این تمایل به طلاق ممکن است دو تا سه برابر کودکانی باشد که از خانواده‌های غیرطلاق گرفته هستند. با این حال، در حالی که این‌ها برخی از تأثیرات حتمی طلاق بر فرزندان است، خانواده‌ها بیشتر و بیشتر درک می‌کنند که طلاق چقدر برای فرزندان شان و همچنین خودشان استرس‌زا است. برخی خانواده‌ها هم شروع به روی آوردن به خدمات مشاوره‌ای کرده‌اند و به دنبال کمک برای یافتن راهی مسالمت‌آمیز به جای طلاق هستند.

ترجمه و تنظیم از: familymeans.org